مفهوم کنز
از دیدگاه
علم اقتصاد و اندیشمندان اسلامی

تاریخ دریافت: ۸۱/۸/۲۷ تاریخ تایید: ۸۲/۱/۱۶

سیدحسین میرمعزی*

چکیده:

در این مقاله پس از تبیین مفهوم کنز از دیدگاه اقتصاددانان و از دیدگاه مفسران و اندیشمندان اسلامی و نیز با بررسی آیات و روایات وارده در این موضوع، اثبات شده است که آنچه تحت عنوان کنز در اسلام تحریر شده، جمع آوری ثروت مازاد بر نیاز و بدون پرداخت حقوق الهی متعلق به آن می‌باشد وصرف خارج کردن پول از جریان گردش حرام نیست و نتیجه گرفتیم که نگهداری پول به انگیزهٔ بورس بازی (با فرض جواز بورس بازی در چارچوب قوانین شرع) حرام نیست. در خاتمه نیز یادآور شدیم که با وجود تحریم بهره در اقتصاد اسلامی بدلیل آنکه نگهداری پول دارای هزینهٔ فرصت است شرائطی را می‌توان تصور کرد که در آن تقاضای پول به انگیزهٔ بورس بازی عملاً محقق گردد.

واژگان کلیدی: کنز، پول، بورس بازی

* ـ مربی پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱ـ مقدمه

یکی از ویژگیهای پول، این است که می‌تواند، ارزش را در خود ذخیره و از زمانی به زمان دیگر منتقل نماید. این ویژگی برای پول، در جامعه دو کارکرد را بدنبال دارد:

۱- **تسهیل مبادلات:** پول مبادله گران را قادر می‌سازد، وقت مناسب را برای مبادلهٔ خود برگزینند. برای مثال کسی که یک ماه دیگر نیازمند خرید برنج است می‌تواند پول را نگه داشته و یک ماه دیگر خرید کند. اگر پول نتواند ارزش را از زمانی به زمان دیگر انتقال دهد، نمی‌تواند نقش واسطهٔ در مبادله را بازی کند، در نتیجه قادر نخواهد بود مبادلات را تسهیل کند.

۲- ایفاء نقش دارایی: این ویژگی در پول موجب می‌شود، که مردم بتوانند در صورت لزوم ثروت خود را به شکل پول نگهداری کنند. در این کارکرد، پول به عنوان یک دارایی به کار می‌رود، نه به عنوان واسطهٔ در مبادلات.

در اقتصاد غرب، اقتصاددانان قبل از کینز به نقش پول به عنوان یک دارایی تا حدودی پی برده بودند، ولی در تحلیلهای اقتصادی به نقش پول به عنوان واسطهٔ در مبادلات توجه بیشتری داشتند و در قالب نظریهٔ مقداری پول تحلیلهای خود را بیان می‌کردند. اولین بار کینز به این پرسش پاسخ داد، که چرا مردم در برخی شرایط ترجیح می‌دهند، ثروت خود را به شکل پول نگه دارند. کینز تمایل به نگهداری ثروت به شکل پول را میل به کنز کردن (Propensity to hoard) یا رجحان نقدینگی (Liquidity preference) می‌نامد. این مفهوم در تابع تقاضای پول و بطور کلی در تحلیلهای کینز نقش مهمی دارد.

به تناسب بحث فوق در اقتصاد اسلامی، این پرسش مهم مطرح می‌شود که آیا پول می‌تواند، در این اقتصاد، نقش دارایی را ایفا کند؟ بدنبال این پرسش دو پرسش دیگر طرح می‌شود:

۱- با توجه به ممنوعیت بهره و حذف بازار اوراق قرضه، آیا می‌توان شرایطی را در اقتصاد اسلامی تصور کرد، که مردم در آن شرایط ترجیح دهند، ثروت خود را به شکل دارایی نگه دارند؟ به بیان دیگر آیا میل به کنز کردن پول و رجحان نقدینگی در چنین اقتصادی تحقق می‌یابد؟

۲- در صورت مثبت بودن جواب پرسش اول، آیا کنز کردن پول در اسلام جایز است؟

برخی از اقتصاد دانان مسلمان، به پرسش دوم پاسخ منفی داده و بر حرمت کنز، به اقوال فقها، و برخی آیات قرآنی استدلال نموده‌اند. به نظر می‌رسد، کنز در اقتصاد و فقه دارای دو مفهوم متفاوت است و در این زمینه خلط واقع شده است. هدف ما در این مقاله، این است که پس از تبیین مفهوم کنز در اقتصاد، به دو پرسش فوق پاسخ داده و ضمن بیان فرق مفهوم کنز در اقتصاد و فقه، ثابت کنیم، که این اصطلاح به مفهوم اقتصادی آن در اقتصاد اسلامی ممکن و جایز است.

۲- مفهوم کنز از دیدگاه اقتصاد دانان غرب

در اقتصاد پیش از کینز، کنز پول، به مفهوم خرج نکردن و نگهداری آن، به عنوان یک دارایی، توسط مارشال، فون میزس، کِمِر و هابسن، مورد توجه قرار گرفته بود. (شومپیتر: ص ۴۱۵) ولی کینز این کلمه را در مفهوم ضیق‌تری به عنوان تقریب اولیه رجحان نقدینگی و نگهداری پول به انگیزهٔ سفته بازی به کار برده است. کینز می‌گوید: مفهوم کنز Hoarding ممکن است به عنوان تقریب اولیه رجحان نقدینگی در نظر گرفته شود. در حقیقت اگر قرار بود که «تمایل به کنز کردن» را به جای «کنز کردن» به کار ببریم، به مقدار قابل توجهی نزدیک به هم بودند.(توتونچیان: ص ۱۳۱)

دکتر توتونچیان با استناد به کلمات کینز در کتاب نظریهٔ عمومی اشتغال، بهره و پول و برخی پیروان او کوشش کرده‌اند، ثابت کنند که از دیدگاه کینز عبارات «تمایل به کنز پول»، «رجحان نقدینگی» و «تقاضای پول به انگیزهٔ سفته بازی» تعابیر گوناگونی از یک حقیقت بوده و با وظیفهٔ پول به عنوان «ذخیرهٔ ارزش» ارتباط تنگاتنگ دارند.(همان: صص ۱۲۸-۱۲۳) توضیحات الوین هانس دربارهٔ فصول سیزدهم و پانزدهم کتاب نظریهٔ عمومی کینز نیز مدعای ایشان را تأیید می‌کند.(ص ۱۴۰-۱۲۵) هانس در بخشی از توضیحاتش می‌گوید: «کینز سه انگیزه برای نگهداری پول ارائه می‌دهد، ۱- انگیزهٔ معاملاتی، ۲- انگیزهٔ احتیاطی ۳- انگیزهٔ سفته بازی (بورس بازی) انگیزهٔ اول سبب می‌شود تا پول جریان فعّال داشته باشد. حال آنکه دو انگیزه آخر موجب می‌شود تا پول به صورت موجودی غیر فعال و راکد، نگاهداری شود.»

وی پس از چند سطر می‌افزاید: «انگیزهٔ سفته بازی مربوط می‌شود به تمایل افراد به نگهداری منابع خود به شکل پول نقد، به منظور این که از نوسانات بازار استفاده کنند. انگیزهٔ سفته بازی است که اساساً مسأله کنز کردن پول را پیش می‌آورد. هدف مورد

نظر از کنز کردن، عبارت است از تحصیل سود، بدین طریق که شخص تصور می‌کند بهتر از بازار، تغییراتی را که آینده با خود به همراه می‌آورد، پیش بینی می‌نماید.» (همان: صص ۱۲۶ و ۱۲۷)

توضیحات بعدی هانس با استفاده از مقالهٔ کینز در مجلهٔ Quarterly Journal of Economics در سال ۱۹۳۷ که آن را مکمل فوق العاده مهمی برای کتاب نظریهٔ عمومی می‌خواند، به وضوح نشان دهندهٔ این مطلب است که مقصود کینز از سفته بازی تنها بورس بازی در بازار اوراق قرضه نیست. بلکه شامل بورس بازی در بازار داراییهای سرمایه‌ای (عمدهٔ سهام) نیز می‌شود.(همان: ص ۱۳۶ به بعد)

بر این اساس، کنز، از دیدگاه کینز نگهداری پول به انگیزهٔ بورس بازی در بازار اوراق قرضه و بازار داراییهای سرمایه‌ای (عمدهٔ سهام) می‌باشد. این گونه پولها راکد و غیر فعالند، زیرا صرف تأمین مالی معاملات مربوط به کالاها و خدمات جدیدی که در اقتصاد تولید می‌شود، نمی‌گردند، بلکه صرف تأمین مالی معاملات مربوط به اوراق قرضه و یا داراییهای سرمایه‌ای که پیش‌تر تولید شده‌اند می‌شوند: از این دیدگاه، پول راکد، پولی نیست که خرج نمی‌شود، بلکه پولی است که خرج کالاها و خدمات جدید نمی‌شود.

پس از کینز پولهایی که به انگیزهٔ بورس بازی در بازارهای مالی نگهداری می‌شود پولهای عاطل و بیکار (Idle money) نامیده شد. در مقابل به پولهایی که در جریان است و همواره برای تأمین معاملات و ایجاد درآمد از طریق خرید و فروش کالاها و خدمات جدید از دستی به دست دیگر منتقل می‌شود، پول فعال (Active Money) گفته شد.(یوسف، کمال محمد: ص ۳۴۳) برای نمونه رووان و مایر تقاضا برای پول را به سه قسمت تقسیم کرده‌اند: ۱- تقاضای معاملاتی، ۲- تقاضای احتیاطی، ۳- تقاضا برای موازنه‌های عاطل و بیکار.

ایشان دو نوع تقاضای اول را تحت عنوان «تقاضا برای پول فعال» نام برده و تحلیل می‌کنند و مورد سوم تقاضا برای پول را به دو قسم تقسیم می‌کنند اول تقاضا برای پول به عنوان دارایی و دوم تقاضای سفته بازی. (توتونچیان: ص ۱۳۷)

در میان اقتصاد دانان پس از کینز مانند اقتصاددانان پیش از او، تلقی عامتری از مفهوم کنز وجود دارد. برای نمونه گیل ماکینین (Gail E.Makinen) در صفحات ۴۰-۴۱ کتاب خود (۱۹۷۷) می‌نویسد: «منظور از کنز کردن، عبارت است از: عمل تراکم ثروت فرد

به صورت پول نقد.» و در دنباله می‌افزاید: پولی که قبلاً در جریان فعالی حرکت می‌کرد، از آن جا منحرف شده و نگهداری می‌شود، بدون آن که روی کالاها، خدمات یا اوراق قرضه خرج شود.(توتونچیان: ص ۱۳۶) بنابراین از دیدگاه ماکینین کنز کردن، نگهداری و خرج نکردن پول است، اعم از این که به انگیزهٔ بورس بازی باشد یا به انگیزهٔ تجمع ثروت و مانند آن.

بر اساس مطالب پیشین، در اقتصاد، کلمهٔ کنز در دو مفهوم به کار رفته است:

۱- نگهداری پول به صورت عاطل و بیکار و خرج نکردن آن به انگیزهٔ تجمع ثروت یا به انگیزهٔ بورس بازی.

۲- نگهداری پول به انگیزهٔ بورس بازی در بازار دارایی.

در هر دو مفهوم، پولی که به انگیزهٔ تأمین مالی معاملات مربوط به کالاها و خدمات تولید شده در دورهٔ جاری نگهداری شود، کنز نیست. ولی اگر به انگیزهٔ بورس بازی نگهداری شود، کنز است. کنز به مفهوم دوم آن، که به جان مینیارد کینز نسبت داده می‌شود، به ظاهر، شامل نگهداری پول به انگیزهٔ تجمع ثروت نیست؛ ولی در واقع از دیدگاه کینز انگیزهٔ بورس بازی تنها دلیل نگهداری و تجمع ثروت به شکل پول است.

دربارهٔ مفهوم کنز در اقتصاد نکات زیر قابل توجه است: ۱- دربارهٔ نگهداری پول به انگیزهٔ احتیاطی تعابیر اقتصاددانان متفاوت است. الوین هانس، معتقد است که از جهت عوامل مؤثر بر نگهداری پول، انگیزهٔ احتیاطی همانند انگیزهٔ معاملاتی است. ولی از جهت راکد و عاطل بودن (یعنی صرف کالاهای جدید نشدن) پولی که به انگیزهٔ احتیاطی نگهداری می‌شود، همچون پولی که به انگیزهٔ بورس بازی نگهداری می‌شود، عاطل و راکد محسوب می‌شود.(الوین هانس: ص ۱۲۷) در حالی که چنانچه پیش‌تر نقل شد، روون و مایر این گونه پولها را در پولهای فعال دسته بندی کردند. با توجه به تفسیر خاصی که کینز از پول عاطل دارد، نمی‌توان قضاوت روشنی در این باره کرد؛ زیرا پولی که به این انگیزه نگهداری می‌شود، صرف تأمین مالی حوادث غیر قابل پیش بینی همچون خراب شدن ماشین، مریض شدن یکی از اعضای خانواده، نیاز خانه به تعمیر، نیاز به خرید ماشین و خانه، ابزار آلات کالاهای مصرفی با دوام و مانند آن خواهد شد. و بسته به این که کالاها و خدماتی که خریداری می‌شود، جزء تولیدات دورهٔ جاری یا دورهٔ پیشین باشد، مسأله فرق می‌کند.

۲- پول در اقتصاد، به اعم از سکه و اسکناس و اعتبارات جاری اطلاق می‌شود. بر

این اساس، اگر کسی به انگیزهٔ بورس بازی، پولی را به شکل مبلغی در حساب جاری خود نگهداری کند، کنز محسوب می‌شود.

۳- در تحقق کنز به مفهوم اقتصادی آن، مبلغ یا مدت خاصی معتبر نیست. اگر پولی را به مبلغ کمتر از حد نصاب زکات (۲۰ مثقال شرعی طلا یا ۱۰۵ مثقال معمولی نقره) و به انگیزهٔ بورس بازی یک ماه نگهدارد، از دیدگاه اقتصادی کنز محسوب می‌شود.

مقایسهٔ مفهوم کنز در اقتصاد با مفهوم کنز از دیدگاه اقتصاددانان اسلامی

شوقی احمد دنیانی (ص ۴۲۲) می‌گوید: کنز در مفهوم اقتصادی آن، حبس نمودن پول از گردش و تداول است و به بیان واضح‌تر، کنار گذاشتن جزیی از درآمد و عدم صرف آن در مصرف با عدم نیت سرمایه گذاری آن در آینده و تحویل آن به سرمایه‌های فیزیکی است. اما از دیدگاه اسلامی و شرعی بین علما اختلاف زیادی وجود دارد. ولی قول صحیحی که با اصول اسلام سازگار است این است که این اصطلاح اسلامی بر مالی اطلاق می‌شود که زکات آن و حقوق متعددی که به مال تعلق می‌گیرد پرداخت نشود.

بر این اساس، کنز در اقتصاد، از نظر مفهومی، با کنز از دیدگاه اسلامی بکلی متفاوت است. امیرة عبداللطیف مشهورة (ص ۱۱) معتقد است که کنز کردن از دیدگاه اسلامی، حبس مال و عدم پرداخت حقوق آن مال است. این حقوق، شامل پرداخت زکات، نفقهٔ واجب، سرمایه گذاری و رشد دادن مال جهت تحقق مصالح عمومی جامعه می‌شود. وی می‌افزاید که حکمت حرمت کنز، این است که احتکار مال و اختصاص آن به برخی افراد تحقق نیابد، تا با تبادل و تداول آن مصلحت کل جامعه تأمین شود. (همان، ص ۲۱۵) او مفهوم اقتصادی کنز را نگهداری پس اندازها به صورت موجودی نقدی عاطل و بیکار بیان کرده و می‌گوید: کنز در اقتصاد به افزایش رجحان نقدینگی شناخته می‌شود. (همان) وی سپس در مقام تحلیل آثار کنز در اقتصاد، این دو مفهوم را یکسان تلقی می‌کند.

نعمت عبداللطیف مشهور (صص ۲۵۶-۲۴۴) نیز، پس از ذکر اختلاف علمای اسلام در مفهوم کنز می‌گوید: همهٔ آراء بر ضرورت اجتناب از کنز اتفاق دارند و کمترین درجهٔ اجتناب از کنز پرداخت زکات واجب از آن است. وی سپس در مقام تحلیل آثار کنز بر فعالیتهای اقتصادی، مفهوم کنز در اقتصاد و از دیدگاه اسلام را یکسان تلقی کرده و طی

بحث مفصل، فلسفهٔ تشریع زکات را مبارزه با کنز نمودن اموال ذکر می‌کند.

یونس رفیق المصری (ص ۱۳۷) می‌گوید: از اقوال علمای اسلام دربارهٔ کنز چنین استفاده می‌شود که کنز، مال جمع شده یا حبس شده (مالی که از دست به دست شدن و گردش اقتصاد خارج شده) است و در مفهوم آن معنای دفن کردن و مخفی نمودن وجود دارد. وی که معتقد است، کنز در اسلام شامل پول و غیر پول از اموال نیز می‌شود، پس از بیان این که در بین علمای اسلام دربارهٔ کنز، دو نظر اساسی وجود دارد، می‌گوید: نظر دوم بانظر اقتصاد دانان نزدیک است و نظر دوم را چنین تقریر می‌کند: کنز مالی است که زکات آن پرداخت نشده و انتظار خرج شدن در طریق مصرف یا سرمایه گذاری یا خیرات را نمی‌کشد.

به بیان دیگر کسی که مازاد بر مصرفش مالی را جمع می‌کند و زکات و حقوق مالی آن را پرداخت نمی‌کند و آن را برای مصرف مؤجل (مشروع) ـ وضعیت پس انداز مشروع ـ به کار نمی‌برد، با توجه به امکان قرار دادن آن در حسابهای جاری (تحت تقاضا)، و آن را در سرمایه گذاریهای مشروع و مصالح عامّه و خیریه به کار نمی‌برد، مرتکب گناه کنز شده است. (همان: صص ۱۳۸-۱۳۹)

به نظر می‌رسد، این تعریف از کنز با دیدگاه اقتصاددانان تفاوت اساسی دارد، زیرا بر اساس این تعریف، پولی که صرف مصرف، سرمایه گذاری یا خیرات نمی‌شود، اگر زکات آن پرداخت نشود، کنز نیست، در حالی که اقتصاددانان بنابر یک اصطلاح آن‌را کنز می‌شمارند و بنابر اصطلاح دیگر (اصطلاح کینز) اگر به انگیزهٔ بورس بازی نگهداری شود کنز است.

شهید صدر (ره) (صص ۳۵۵-۳۴۶) نیز، کنز در آیهٔ شریفه را، بر خارج کردن پول از گردش اقتصادی و افزودن آن بر ثروت بدون پرداخت زکات آن اطلاق می‌کنند. ایشان پس از بحث مفصلی دربارهٔ فرق بین معاملات پایاپای و مبادلاتی که بر اساس پول انجام می‌شود، به این نتیجه می‌رسند که در معاملات پایاپای بین خرید و فروش هیچ فاصله‌ای نیست؛ ولی در مبادلات پولی بین فروش و خرید فاصله می‌افتد و این خود موجب می‌شود که هدف جدیدی برای مبادلات مطرح شود. در عصری که مبادلات پایاپای صورت می‌گرفت، فروش کالا با هدف خرید کالای مورد نیاز انجام می‌شد؛ ولی در عصر مبادلات پولی این امکان فراهم می‌شود، که فروش به هدف دستیابی به پولی انجام شود، که وکیل عام کالاهاست. انگیزه‌های کنز پول از همین جا نشأت می‌گیرد. فروشنده، که

پیش از این کالای خود را برای خرید کالای مورد نیازش می‌فروخت، اکنون آن را به هدف رسیدن به پول و ذخیره کردن آن و افزودن آن به ثروت خود می‌فروشد و بدین ترتیب معاملات که نقش واسطه بین تولید و مصرف را باز می‌کردند، اکنون نقش واسطهٔ بین تولید و پس انداز را بازی می‌کنند و تولید و فروش به هدف کنز کردن پول و رشد ثروت انجام می‌شود نه به هدف رفع نیازهای مردم.

ایشان سپس می‌گوید: اسلام برای جلوگیری از این انحراف بزرگ، از طریق تشریع زکات بر پول، کنز پول را منع کرده است و برای اثبات این مطلب به آیات ۳۴ و ۳۵ سورهٔ توبه استناد می‌کنند. (صص ۳۴۶-۳۵۵)

از کلمات ایشان چنین استفاده می‌شود، که کنز در آیهٔ شریفه به مفهوم ذخیره کردن پول و خارج کردن آن از گردش معاملات و افزودن آن بر ثروت است. این مفهوم از کنز، به مفهوم کنز از دیدگاه اقتصاددانان نزدیک است. تحلیل ایشان، از آثار این پدیده نیز شبیه تحلیل اقتصاددانان است؛ ولی به نظر می‌رسد تشریع زکات بر پول با توجه به شرائطی همچون نصاب زکات و گذشت یک سال، نمی‌تواند در وضعیت امروزین از آنچه که در اقتصاد به آن کنز گفته می‌شود، جلوگیری کند. امروزه نگهداری پول به انگیزهٔ بورس بازی، هیچ گاه یک سال طول نمی‌کشد تا متعلق زکات واقع شود. همچنین اگر کمتر از حد نصاب به انگیزهٔ بورس بازی پول نگهداری شود زکات به آن تعلق نمی‌گیرد. افزون بر این، اصل تعلق زکات به پولهای امروزین محل بحث است و اکثر فقهای شیعه پولهای کاغذی و اعتباری را متعلق زکات نمی‌دانند؛ اگر چه در بین فقهای اهل تسنن این فتوا رایج است.

این نشان می‌دهد که فلسفهٔ تشریع زکات، جلوگیری از خروج پول از گردش معاملات نیست، بلکه فلسفهٔ آن جلوگیری از تجمع ثروت است. زکات در حقیقت بخشی از درآمد اغنیا را به فقرا منتقل می‌کند و یکی از سیاستهای توزیع ثروت است.

به نظر می‌رسد این تعریف از کنز با دیدگاه اقتصاددانان تفاوت اساسی دارد. زیرا بر اساس این تعریف، پولی که صرف مصرف، سرمایه گذاری یا خیرات نمی‌شود، اگر زکات آن پرداخت شود کنز نیست، در حالی که اقتصاددانان بنا بر یک اصطلاح آن را کنز می‌شمارند و بنا بر اصطلاح دیگر (اصطلاح کینز) اگر به انگیزهٔ بورس بازی نگهداری شود، کنز است.

۳- مفهوم کنز در لغت عرب و دیدگاه مفسرین

کنز در اسلام تحریم شده و حرمت آن در آیات ۳۴ و ۳۵ سورهٔ توبه بیان شده است:

﴿و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لاینفقونها فی سبیل الله فبشّرهم بعذاب الیم.﴾

«و آنان که سیم و زر می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک نویدشان ده.»

کنز در لغت عرب به مفهوم جمع کردن و ذخیره کردن است. فیومی در مصباح المنیر (ماده کنز) کنز کردن مال را به معنای جمع کردن مال و ذخیره کردن آن دانسته است. مؤلف مجمع البحرین می‌گوید:

اصل کنز، مالی است که برای مدتی دفن شده و بر آن افزوده می‌شود. وی پس از چند سطر می‌افزاید: کنز مال به معنای جمع و ذخیره کردن مال است. در لسان العرب نیز آمده است: کنز، اسم مالی است که در ظرفی نگهداری می‌شود و به ظرف آن نیز کنز گفته می‌شود و گفته شده که کنز، مالی است که دفن شده است. شُمَّر می‌گوید: به هر چیز کثیری را که جمع آوری شده و در جمع آوری آن رقابت می‌شود، عرب کنز می‌گوید.

بطور کلی از تتبع در کتب لغت چنین استفاده می‌شود که در مفهوم کنز دو ویژگی معتبر است؛ یکی جمع آوری کردن و افزودن بر مال و دیگری ذخیره کردن و نگه داشتن آن. حکم حرمت کنز در بین فقها، کمتر مورد بحث قرار گرفته، ولی مفسرین به تناسب بحث دربارهٔ دو آیهٔ کریمهٔ پیشین، به آن پرداخته‌اند. مفسرین در تفسیر مفهوم کنز که در آیه تحریم شده، اختلاف نظر دارند. منشأ این اختلاف نیز روایات متفاوتی است که در این باره وجود دارد.

فخر رازی،(ج ۸، صص ۶-۴۵) سه نظر را از علمای اهل تسنن در این باره ذکر می‌کند:

۱- کنز، مالی است که زکات آن پرداخته نشده است. بر این اساس، اگر مالی که زکات آن پرداخت شده جمع آوری شده و ذخیره شود، کنز نیست. فخر رازی، این قول را به اکثر علما نسبت داده و ادلهٔ آن را ذکر می‌کند.

۲- کنز، مالی است که وجوه واجب از آن اخراج نشده باشد. و در وجوه واجب نیز بین زکات، کفارات واجب و هزینهٔ حج واجب یا نماز جمعه و وجوهی که خرج آن در راه دَیْن و حقوق واجب و انفاق بر اهل و عیال و ضمان چیزهایی که تلف کرده و پرداخت جریمهٔ جنایت هایش لازم است، فرقی وجود ندارد. بر این اساس، اگر کسی پس از پرداخت همه حقوق مالی واجبش، مالی را جمع آوری کرده و نگه دارد، کنز نیست.

۳- جمع مال زیاد کنز است، چه زکات آن پرداخته شده باشد یا نه.

فخر رازی(همان)، پس از بیان ادله و مستندات هر یک از این اقوال می‌گوید: حق این است که انسانی که پیرو دین است، بهتر است به جمع آوری مال زیاد نپردازد، ولی در عین حال در ظاهر شریعت از چنین کاری منع نشده است. بنابراین، مطلب اول (اولویت جمع آوری نکردن مال زیاد) مقتضای تقوا و مطلب دوم (عدم منع از چنین کاری) مقتضای ظاهر فتواست.

در بین مفسرین شیعه نیز، شبیه همین اختلاف وجود دارد. شیخ طوسی (ره) (ج ۵، ص ۲۱۰) در تفسیر این آیه می‌فرماید: مقصود کسانی هستند که اموال خود را بدون آن که زکاتش را پرداخت کرده باشند. پنهان می‌کنند، زیرا اگر زکات اموال را پرداخت کرده و باقیمانده را کنز می‌کردند، ملامت نمی‌شدند. ایشان ادعا می‌کند که در این مسأله بین علما اختلافی وجود ندارد. مرحوم طبرسی (ج ۵، ص ۶) نیز می‌فرماید: اکثر مفسرین معتقدند که مراد از کسانی که طلا و نقره را کنز می‌کنند، کسانی هستند که از پرداخت زکات سر باز می‌زنند. فیض کاشانی (ره) (ج ۲، ص ۴۱) پس از نقل روایات متعددی که دربارهٔ این آیه وارد شده می‌فرماید: در جمع بین روایات، شاید بتوان چنین گفت: که جمع مال به انگیزهٔ صحیح تا دو هزار یا چهار هزار درهم بعد از پرداخت حقوق واجب جائز است و از جملهٔ حقوق واجب، حق امام علیه السلام در وقتی است که ظهور کنند. [و این حق در زمان ظهور امام زمان علیه السلام] مازاد بر مالی است که زندگی صاحب آن را در حد کفایت تأمین می‌کند.

نویسندگان کتاب الحیاة پس از نقل آیات کنز وآیاتی که جمع مال و حبّ آن را نهی می‌کنند و همچنین روایاتی که در این باره وارد شده، در تحلیل نهایی، کنزی که در آیات مورد نهی قرار گرفته را به مفهوم جمع کردن و ذخیره کردن مال (اعم از طلا و نقره و سایر اموال غیر نقدی) تفسیر کرده، معتقدند که آیات ۳۴ و ۳۵ سورهٔ توبه به ضمیمهٔ روایات مربوطه بر حرمت جمع کردن ثروت ـ بیش از مقداری که برای یک زندگی سالم و متعادل لازم است ـ و وجوب انفاق مازاد در راه خدا دلالت دارد.(حکیمی: ج ۴، صص ۱۸۲-۱۶۰)

در تفسیر نمونه (ج ۷، ص ۳۹۶) چنین آمده است: «از مجموع احادیث به ضمیمهٔ خود آیه می‌توان چنین نتیجه گرفت که در شرایط عادی و معمولی، یعنی در مواقعی که جامعه در وضع ناگوار و خطرناکی نیست و مردم از زندگانی عادی بهره‌مندند پرداخت زکات کافی است و باقیمانده کنز محسوب نمی‌شود... و اما در مواقع فوق العاده و

هنگامی که حفظ مصالح جامعهٔ اسلامی ایجاب کند، حکومت اسلامی می‌تواند محدودیتی برای جمع آوری اموال قائل شود (چنانکه در روایت علی‌علیه‌السلام خواندیم) و یا بکلی همهٔ اندوخته‌ها و ذخیره‌های مردم را برای حفظ موجودیت جامعهٔ اسلامی مطالبه کند (چنان که در روایت امام صادق‌علیه‌السلام دربارهٔ زمان قیام قائم (عج) آمده است.)

علامهٔ طباطبایی(ج ۹، ص ۲۵۹) به صورت مفصل به این بحث پرداخته است و به دلیل نکات دقیقی که در تفسیر ایشان وجود دارد، سعی می‌شود، نظر ایشان مشروح‌تر بیان شود. ایشان می‌فرمایند: آیه دلالت دارد، بر این که کنزی که ملازم با خودداری کردن از انفاق مال در راه خداست مبغوض خداوند است و از کلام خدای متعال استفاده می‌شود که راه خدا عبارت است از چیزی که قیام دین خدا و سالم ماندن بنیاد دین بر آن توقف دارد، مانند جهاد و همهٔ مصالح دین که حفظ آن واجب است و همهٔ آن شؤونی که اگر از بین بروند، جامعهٔ مسلمین از هم فرو می‌پاشد و حقوق واجبی که دین به وسیلهٔ آنها بنیان جامعهٔ دینی را اقامه می‌کند.

بنابراین اگر کسی طلا و نقره را کنز کند، در حالی که نیاز و ضرورت وجود دارد، در این صورت طلا و نقره را کنز کرده و آن را در راه خدا انفاق نکرده است. از این رو باید به عذاب الیم بشارت داده شود؛ زیرا خودش را بر خدایش ترجیح داده و نیاز احتمالی خود یا فرزندانش را بر نیاز قطعی جامعهٔ دینی مقدّم کرده است.

علامه طباطبایی(ره) سپس می‌افزاید: اسلام برای اصل ملک از جهت مقدار، حدّی تعیین نکرده است. اگر فردی، چندین برابر آنچه کنز کرده جمع آوری کند، ولی آن را به صورت کنز نگه ندارد، بلکه در معرض جریان قرار دهد و از آن برای خود، هزاران هزار استفاده ببرد و به سبب خرید و فروش یا کار و مانند آن به دیگران فائده رساند، نهی دینی به او متوجه نمی‌شود. زیرا اموال را در جلوی چشم مردم قرار داده و در راه رشدی که صالح و نافع است انداخته و آن را مخفی نکرده و از صرف آن در راه خدا منع نکرده است. اگر چه آن را به صورت بالفعل در راه خدا صرف نمی‌کند، ولی به گونه‌ای است که اگر ولیّ مسلمین اراده کند، در صورت لزوم او را به انفاق امر خواهد کرد.

به عقیدهٔ علامه، انفاقات مستحب مثل توسعهٔ بر خانواده و بخشش به فقرا به مقدار بیش از حدّ ضرورت زندگی آنها جزء انفاق فی سبیل الله که در آیه به آن اشاره شده نیست؛ زیرا طبق ادلهٔ مستحبات، ترک آنها جایز است. (همان، ص ۲۶۰) ایشان پس از بحث روایی مفصلی دربارهٔ آیات ۲۷ تا ۳۵ سورهٔ توبه تحقیقی در معنای کنز نموده است. در

این تحقیق ابتدا نقش پول در اقتصاد و آثار زیانبار بطلان ارزش پول و نیز آثار کنز پول و منع از جریان آن بین مردم را توضیح داده، می‌فرماید: «کنز پول، موجب بطلان ارزش اشیاء و از بین بردن امکان احیاء معاملات جاری و برپایی بازار در جامعه اسلامی نسبت به آن پولی است که کنز می‌شود و به سبب بطلان معاملات و تعطیلی بازارها حیات جامعه از بین می‌ورد و به نسبتی که پول راکد و متوقف بماند جامعه از حرکت باز ایستاده و ضعیف می‌شود.

سپس توضیح می‌دهند که مقصود من از کنز پول، جدا کردن پول از جریان در معاملات بازار و گردش برای اصلاح شؤون حیات و رفع نیازهای جامعه همچون سیر کردن گرسنگان، سیرآب کردن تشنگان و پوشاندن لباس بر ناداران و سود کسب و اجرت عمل و نماء مال و درمان مریض و آزاد سازی اسیر و نجات دادن بدهکار و گره گشایی از سختیها و مشکلات و زدودن غمها و اجابت فرد مضطر و دفاع از اساس جامعهٔ صالح و اصلاح جوّ فاسد اجتماعی است. از این رو بعید نیست که بگوییم آیه شامل انفاقات مستحب نیز می‌شود، زیرا کنز اموال موجب می‌شود که موضوع انفاقات مستحب همچون انفاقات واجب منتفی شود.»(همان، ص ۲۷۲-۲۶۹)

از اقوالی که نقل شد، استفاده می‌شود که به غیر از کلام اخیر که از علامه(ره) نقل شد، موضوع اختلاف در میان بقیهٔ مفسرین شیعه و سنی، در تعیین شرایط ثروتی است که یک فرد مسلمان می‌تواند، جمع آوری و ذخیره کند. ظاهراً همه می‌پذیرند که جمع آوری مال در صورت فقدان این شرایط همان کنزی است که در آیه، تحریم شده است؛ ولی در تعیین آن شرایط با هم اختلاف دارند و مجموعاً چهار قول وجود دارد:

۱- جمع آوری ثروت در صورتی که مازاد بر حد کفاف زندگی باشد، کنز حرام است.

۲- اگر مال جمع آوری شده، زکات آن پرداخت شود، کنز آن حرام نیست و در غیر این صورت حرام است. (این قول به مشهور نسبت داده شده است.)

۳- اگر حقوق واجب، اعم از زکات و غیر آن از مالی پرداخت شود، جمع آوری آن، کنز حرام نیست و در غیر این صورت حرام است.

۴- اگر شرایط عادی باشد، قول دوم صحیح است و اگر جامعه در وضع ناگواری باشد. قول سوم صحیح است.

اما برداشت اخیر علّامه (ره) در تحقیقی که نموده‌اند، بکلی با دیگران فرق می‌کند. به

نظر ایشان، کنز عبارت است از: اخراج نمودن پول از جریان گردش در معاملات و نیازهای جامعه و راکد نگه داشتن آن.

روشن است که جمع آوری و ذخیرهٔ اموال همواره ملازم با راکد نگه داشتن پول نیست. ممکن است، پول از جریان و گردش خارج نشود، ولی گردش آن ثروت آفرین باشد و صاحب آن بدون پرداخت حقوق واجبی که بر عهدهٔ اوست بر ثروت خود بیفزاید. چنانچه امکان دارد، درآمدی که حقوق واجب آن پرداخت شده، به صورت راکد نگه داری شود. اگر آن گونه که مرحوم علامه در تحقیق پایانی خود بیان می‌کنند، مقصود از کنز، خارج کردن پول از جریان گردش و نگهداری آن باشد و مقصود از انفاق در راه خدا، اعم از انفاقات واجب و انفاقات مستحب باشد، در این صورت پرسشهای زیر مطرح می‌شود:

الف) آیا نگهداری پول به انگیزهٔ معاملاتی و احتیاطی و بورس بازی را آیه شامل می‌شود؟ به بیان دیگر، آیا انگیزهٔ خارج کردن پول از جریان گردش، در حرمت آن دخالت دارد؟

ب) آیا هیچ حدّی برای کنز حرام، معین نشده است؟ برای مثال اگر کسی کمتر از نصاب زکات را نگه دارد و از جریان گردش خارج کند حرام است؟

ج) اگر پولی را به مدت یک روز، یک ماه، ۳ یا ۶ ماه نگهدارد آیا کنز محرّم است؟

د) اگر کسی پولی را که بیش از نصاب است و هیچ حق واجبی به آن تعلق نگرفته و زکات آن را نیز پرداخت کرده، نگه دارد، آیا حرامی مرتکب شده است؟

واقعیت این است که، به اطلاق آیه کریمه به مفهومی که علامهٔ طباطبایی در تحقیق اخیر بیان کردند، نمی‌توان ملتزم شد و هیچ یک از فقهای شیعه و اهل تسنن نیز به آن ملتزم نشده‌اند. شاید به همین دلیل نیز مرحوم علامه، ابتدا در تفسیر آیه، مخفی کردن از چشم ولیّ امر را ملاک حرمت قرار داده و جمع آوری مالی که پس از پرداخت زکات آن در معرض دید قرار داده می‌شود و پنهان نمی‌شود را مشمول حرمت نمی‌دانند. از این رو در زمان حاضر، اگر کسی پولش را در حساب پس انداز خود راکد نگه دارد، نمی‌توان گفت آن را مخفی کرده، بنابراین نباید حرام باشد. از این جا معلوم می‌شود، که مرحوم علامه در کلام آخر خود، مفهوم کنز را تحقیق کرده‌اند و نه مفهوم کنزی که در آیه تحریم شده است. ظاهراً از دیدگاه ایشان، کنز مال به مفهوم راکد نگه داشتن آن و کنز پول به مفهوم خارج کردن آن از جریان گردش است، ولی هر کنزی حرام نیست. کنز مال و پول به دو شرط حرام است:

۱- حقوق واجب متعلق به آن پرداخت نشده باشد.

۲- از معرض دید ولیّ امر مخفی نگه داشته شود.

بر این اساس، در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی آنچه در آیات ۳۴ و ۳۵ سورهٔ توبه مطرح شده حرمت جمع آوری و ذخیرهٔ ثروت است. البته علما، به دلیل وجود روایات مختلف، در این که جمع آوری ثروت در چه صورت حرام است با یکدیگر اختلاف نظر دارند. ولی در این که موضوع آیات مزبور جمع آوری ثروت است و نه راکد گذاردن پول اتفاق نظر دارند.

دربارهٔ مفهوم کنز محرّم از دیدگاه مفسرین اسلامی دو نکته قابل توجه و تأکید است:

۱- در این مفهوم، کنز محرّم شامل نگهداری ثروت به شکل دارایی‌های فیزیکی، اوراق سهام و پول می‌شود و اختصاص به پول ندارد. بیشتر مفسرین برای ذهب و فضه خصوصیتی قائل نشده‌اند و آیه را ناظر به جمع اموال و ثروت دانسته و ذکر ذهب و فضه را در آیه به عنوان مصداق کامل آن تلقی کرده‌اند.

۲- اگر حقوقی که به مال تعلق می‌گیرد (با صرف نظر از اختلافاتی که در این رابطه وجود داشت.) پرداخت شود، نگهداری باقیمانده به شکل پول یا غیر آن کنز نیست.

۴- کنز محرم در آیات و روایات

آیا آنچه که در آیات ۳۴ و ۳۵ سورهٔ توبه تحریم شده جمع آوری و ذخیره نمودن ثروت و خرج نکردن آن در راه خداست، یا راکد نگه داشتن مال و به گردش در نیاوردن آن است؟ همان گونه که پیشتر گذشت بین این دو مفهوم رابطهٔ عموم و خصوص من وجه است و مفسرین و اندیشمندان اسلامی، اعم از شیعه و سنی، از این آیات حرمت جمع آوری و ذخیره نمودن ثروت را استنباط کرده‌اند، گر چه در مقدار و شرایط آن اختلاف نظر دارند.

اکنون با مراجعه به آیات مزبور و روایات مربوطه، قرائن روشنی را که بر صحّت استنباط مفسرین دلالت دارد، بیان می‌کنیم. این قرائن عبارتند از:

۱- در آیهٔ ۳۴ سورهٔ توبه می‌خوانیم:

«و الذین یکنزون الذهب و الفضّة ولاینفقونها فی سبیل الله فبشّرهم بعذاب الیم»

«کسانی که طلا و نقره را کنز می‌کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، آنها را به

عذاب دردناک بشارت بده.»

در این آیهٔ شریفه کنز در مقابل انفاق در راه خدا به کار رفته است و در لغت عرب انفاق مال به مفهوم صرف کردن آن است (ابن منظور: ج ۶، ص ۶۹۳) و مقصود از انفاق در راه خدا، صرف نمودن مال در راهی است که موجب قوام دین خدا و جلوگیری از نابودی آن می‌شود. بنابراین صرف مال در راهی که دارای منافع شخصی است، انفاق فی سبیل الله نیست.(طباطبایی: ج ۹، ص ۲۵۹)

به قرینهٔ مقابله، درمی یابیم که کنز ذهب و فضه، به معنای جمع کردن ثروت و ذخیرهٔ آن برای خود است نه به معنای راکد نگه داشتن مال و به گردش درنیاوردن آن. چه بسا مالی با گردش خود برای شخص ثروت آفرین باشد. در این صورت نیز کنز تحقق یافته است، زیرا مال در راه خدا صرف نشده است.

۲- امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «انما اعطاکم الله هذه الفضول من الأموال لِتوَجِّهوها حیث وجَّهَهَا الله و لم یُعطکموها لتکنزوها.»(کلینی: ج ۴، ص ۳۲؛ حکیمی: ج ۴، ص ۱۶۲)

یعنی «خداوند این اموال زیاد [مازاد بر هزینهٔ زندگی] را به شما داد تا آن را در راهی که خداوند نشان داده به کار برید و این اموال را به شما نداد تا کنزشان کنید.»

این حدیث در حقیقت، آیهٔ ۳۴ سورهٔ توبه را تفسیر می‌کند. در این حدیث نیز از جمع مال برای خود و خرج نکردن آن در راه خدا در مقابل صرف ثروت مازاد بر احتیاج در راه خدا، سخن به میان آمده است.

۳- امام صادق علیه السلام در مورد قول خداوند متعال «و الذین یکنزون الذهب و الفضّة...» می‌فرماید: مقصود موردی است که از دو هزار درهم تجاوز کند.(عیاشی: ج ۲، ص ۸۷، ح ۵۳)

امام صادق علیه السلام در این روایت حدّ جایز جمع ثروت را با توجه به شرائط زمان خود بیان کرده‌اند. بی تردید ایشان نیز کنز را به معنای جمع ثروت تفسیر کرده‌اند.

۴- از رسول خدا نقل شده که فرمود: «مَن اَوْکی علی ذهب او فضّة و لم ینفقه فی سبیل الله کان جمراً یوم القیامة یکوی به.»(محمدی: ج ۴، ص ۳۵۶)

یعنی اگر کسی بر طلا و نقره بخل ورزد و آن را در راه خدا انفاق نکند، روز قیامت تبدیل به سنگی می‌شود که با آن او را داغ می‌کنند.

این روایت نیز در حقیقت تفسیر همان آیات ۳۴ و ۳۵ سورهٔ توبه است. بخیل، به جمع آوری مال برای خود می‌پردازد و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کند.

همهٔ روایاتی که پیرامون این آیات وارد شده و مفسرین به آن استناد کرده‌اند، بر

این دلالت دارند که منظور از کنز در آیات مزبور جمع آوری اموال برای خود می‌باشد و این آیات ناظر به خارج کردن پول از چرخهٔ معاملات به انگیزهٔ سود فی نفسه نیست.*

۵- نتایج بحث

با توجه به آنچه گذشت، روشن می‌شود، کنزی که در آیات و روایات تحریم شده است، دربارهٔ جمع ثروت بیش از حد نیاز و بدون پرداخت حقوق الهی متعلق به آن است و این حکم در حقیقت به منظور رفع فقر و تحقق عدالت تشریع شده است. این مطلب مورد اتفاق مفسرین و اصحاب حدیث است.

اما آنچه در اقتصاد در بحث تابع تقاضای پول تحت عنوان کنز مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، خارج کردن پول از جریان گردش و راکد گذاشتن آن است. این دو مفهوم یعنی «جمع ثروت به صورت غیر مجاز» و «خارج کردن پول از جریان گردش» با یکدیگر متفاوتند و از حرمت یکی، حرمت دیگری را نمی‌توان استنباط کرد.

با این وجود، برخی از اقتصاددانان مسلمان داخل کشور و همچنین برخی از اقتصاددانان مسلمان کشورهای دیگر بین این دو خلط کرده و نسبت به بخش پولی اقتصاد اسلامی قضاوتی نادرست نموده‌اند که منشاء مباحثات زیادی در مقالات و همایشها شده است.

در این مقاله تلاش کردیم این خلط را روشن کرده و نتیجه بگیریم که خارج کردن پول از جریان گردش تا وقتی به جمع آوری ثروت مازاد بر نیاز و بدون پرداخت حقوق الهی منجر نشود حرام نیست.

از این جا نتیجه می‌گیریم که با فرض جواز بورس بازی در بازارهای داراییهای فیزیکی و سهام در اقتصاد اسلامی، نگهداری پول به انگیزهٔ بورس بازی ذاتاً حرام نیست. با توجه به این که بورس بازی نیز در اقتصاد اسلامی در چارچوب احکام شریعت جایز است.** می‌توان نتیجه گرفت، تقاضای پول به انگیزهٔ بورس بازی در اقتصاد اسلامی، شرعاً ممنوع نیست.

اما جای این پرسش هنوز باقی است که با توجه به ممنوعیت بهره و حذف بازار

---

* ـ علاقه‌مندان می‌توانند روایات مزبور را در کتب تفسیر پیشین بیابند.

** ـ نگارنده در مقالهٔ دیگری اثبات کرده است که در اقتصاد اسلامی بورس بازی در چارچوب قوانین شرع جایز است. این مقاله به زودی در فصلنامهٔ تخصصی اقتصاد اسلامی شمارهٔ ۹ منتشر خواهد شد.

اوراق قرضه در اقتصاد اسلامی، مردم در چه شرایطی ترجیح می‌دهند، ثروت خود را به شکل پول نگه داری کنند؟

پاسخ به این پرسش نیازمند ترسیم ساختار بازارها و تبیین فرصتهای صاحبان پول در اقتصاد اسلامی است، که شرح آن نیازمند مقالهٔ دیگری است. ولی به صورت اجمالی می‌توان گفت در اقتصاد اسلامی نگهداری پول، هزینه فرصتهای دیگری (غیر از نرخ بهره که حرام است) دارد.

کسی که پول را نگه می‌دارد، منافعی را که از به کارگیری آن در سرمایه گذاری و بورس بازی مجاز، می‌تواند بدست آورد از دست می‌دهد. اگر وجود بانکداری اسلامی در این نظام فرض شود، می‌توان گفت: هزینه فرصت نگهداری پول، نرخ سود صاحبان سپرده‌های مدت دار است. همچنین کسی که ثروت خود را به شکل پول نگهداری می‌کند، در صورت وجود تورّم، روز به روز از ارزش آن کاسته می‌شود.

افزون بر این اگر قائل بشویم که زکات به پول امروزین نیز تعلق می‌گیرد،* اگر مقدار پول نگهداری شده بیش از حدّ نصاب باشد و پول را بیش از یک سال نگه دارد، به آن زکات تعلق خواهد گرفت. با این وصف ابتدا به نظر می‌رسد، هیچ انگیزه‌ای برای نگه داشتن ثروت به شکل پول وجود ندارد. ولی با کمی دقت روشن می‌شود که در شرایطی ممکن است، انسان ترجیح دهد، ثروت خود را به شکل پول نگه دارد. آن شرایط وقتی محقق می‌شود که انسان پیش بینی کاهش قیمت دارایی فیزیکی یا اوراق سهام را بنماید. در این صورت ترجیح می‌دهد که دارایی فیزیکی یا سهام خود را بفروشد و ثروتش را به شکل پول نگهداری کند، زیرا در غیر این صورت زیان خواهد کرد. بر این اساس در اقتصاد اسلامی نیز نگهداری پول به انگیزهٔ بورس بازی در بازار داراییهای مشهود و اوراق سهام وجود دارد، گر چه به دلیل حذف بازار اوراق قرضه نگهداری آن به انگیزهٔ بورس بازی در این بازار منتفی است.

* ـ البته این قول بین فقهای شیعه مشهور نیست، ولی غالب فقهای اهل تسنن به آن فتوا داده‌اند.

منابع

۱ - ابن منظور، **لسان العرب**، دار الجیل و دار لسان العرب.

۲ - الحکیمی، محمدرضا و...، **الحیاة**، مکتب نشر الثقافة الاسلامیة (مرکز نشر فرهنگ اسلامی)، **الطبعة الثانیه**، (۱۴۱۵ ق ـ ۱۳۷۴ هـ ش.).

۳ - الشیخ الطوسی، **التبیان فی تفسیر القرآن**، دار احیاء التراث العربی.

۴ - الصدر، السید محمد باقر الصدر، **اقتصادنا**، مکتب الاعلام الاسلامی ـ فرع خراسان، ۱۴۱۷ هـ ۱۳۷۵ ش.

۵ - الطباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق ـ ۱۹۹۷ م.

۶ - الطبرسی، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۹۹۲ م.

۷ - الفخر الرازی، **التفسیر الکبیر**، دار الفکر، ۱۴۱۵ هـ ۱۹۹۵ م.

۸ - الفیض الکاشانی، **تفسیر الصافی**، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ - ۱۹۸۲ م.

۹ - امیرة عبداللطیف مشهورة، **الاستثمار فی الاقتصاد اسلامی**، مکتبة مدبولی، القاهرة، ۱۴۱۴ ق ـ ۱۹۹۴.

۱۰ - توتونچیان، ایرج، **پول و بانکداری اسلامی**، انتشارات توانگران، ۱۳۷۹.

۱۱ - جوزف شومپیتر: **تاریخ تحلیل اقتصادی**، ۳. از ۱۸۷۰ تا کینز، ترجمه: فریدون فاطمی، نشر مرکز ۱۳۸۰.

۱۲ - رفیق یونس المصری، **بحوث فی الاقتصاد الاسلامی**، دار المکتبی، ۱۴۲۱ ق ـ ۲۰۰۱ م.

۱۳ - شوقی احمد دینا، **تمویل التنمیه فی الاقتصاد الاسلامی**، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۴ ف ـ ۱۹۸۴.

۱۴ - محمدی الریشهری، **میزان الحکمة**، الطبعة الاولی، دار الحدیث.

۱۵ - مکارم شیرازی و...، **تفسیر نمونه**، دار الکتب الاسلامیة ۱۳۷۳ ش.

۱۶ - نعمت عبداللطیف مشهور: **الزکاة الاسس الشرعیه و الدور الإنمایی و التوزیعی**، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۰۱ ق ـ ۱۹۸۱ م.

۱۷ - الوین، هانس، **راهنمایی نظریهٔ عمومی کینز**، ترجمهٔ منوچهر کیانی، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۸ - یوسف کمال، محمد، **فقه الاقتصاد النقدی**، دار الصابونی، دار الهدایة.